

روژنه

«هناء الحبشی» فعال انقلاب لیبی:

زنان جرقه اولیه انقلاب را زدند

۷۷ **چطور شد که وارد جریان انقلاب لیبی شدی؟**

من اولش مثل یک شهروند عادی لیبی در جریان انقلاب قرار گرفتم. وقتی انقلاب شروع شد من تصمیم گرفتم صدای انقلاب را به گوش مردم جهان برسانم. اول با کانالی تماس گرفتم که صدای انقلاب لیبی را از دوحه یخشی می‌کرد. بعد با کانال الجزیره تماس گرفتم. من مطالبی درباره میزان فساد و رسوایی‌های رژیم حاکم و نیز درباره زندانیان ارایه کردم.

۷۷ **می‌گویند شما اطلاعاتی هم در اختیار ناتو گذاشتید. اینها چه اطلاعاتی بود؟**

من تلاش می‌کردم شهروندان را از هر راه ممکن حمایت کنم. سعی کردم اطلاعاتی را از مراکز نظامی یا مراکزی که در آنها سلاح قرار داشت جمع‌آوری کنم. بعد این اطلاعات را در اختیار افرادی گذاشتم که در شورای انقلاب بودند. آنها این اطلاعات را به ناتو داده بودند.

۷۷ **گفته می‌شود شما بمب‌های دستی هم می‌ساختید. چطور این کار را می‌کردید؟**

در جریان انقلاب لیبی همه مجبور بودند دست به کاری بزنند. پدرم دوستی داشت که شکارچی بود و از مادمای ژلاتینی برای شکار ماهی استفاده می‌کرد. من از او خواهمش کردم و این مواد را گرفتم و به کمک آنها بمب‌های دستی ساختم. ما تعداد زیادی از آنها ساختیم و به شخصی دادیم تا در اختیار مبارزان قرار دهد.

۷۷ **با این بمب‌ها چه کسانی را هدف قرار می‌دادید؟**

در طرابلس انقلابیون از این بمب‌ها استفاده می‌کردند. این تنها سلاحی بود که ما داشتیم. تقریباً خودروهای نظامی ایسته به نظام مهم‌ترین هدف این بمب‌ها بود.

۷۷ **گفتید پدرتان در این کار به شما کمک می‌کرد، او یک فرمانده ارتش یا درجه‌ای بود که در سال ۲۰۰۰**



بازننشسته شده بود. پرشش اینجاست که چطور یک فرمانده نظامی قذافی دست به چنین کاری می‌زند؟ پدرم مثل همه مردم لیبی از نظام حاکم تنفر داشت و منتظر فرصت بود.

۷۷ **بعنی کار شما را در جریان انقلاب شبیه عملیات انحرافی توصیف کرده‌اند به دلیل خطرانی که داشت، هم تماس با کانال‌های خارجی و هم فعالیت نظامی در داخل لیبی. چقدر از این بابت احساس خطر می‌کردی؟**

من احساس خطر نمی‌کردم. چیزی از درون مرا به حرکت وامی‌داشت. می‌دیدم که مردم در خیابان‌ها کشته می‌شوند. اینها به من انگیزه می‌داد.

۷۷ **چطور از تورهای امنیتی می‌گریختید؟**

در درجه اول به لطف خدا بود و دوم کسانی که از من حمایت می‌کردند. من از ۱۲ تا ۱۸ خط تلفن استفاده می‌کردم. هرگز از داخل منزل حرف نمی‌زدم. برای تماس با کانال‌های تلویزیونی خارجی همیشه با اتومبیل جای خودم را عوض می‌کردم. اگر این کارها را نمی‌کردم فوراً در جنگ مأموران رژیم قذافی می‌افتاد.

۷۷ **به نظر شما نقش زنان در انقلاب لیبی چگونه بود؟**

من می‌خواهم بگویم نقش زنان این نبود که مثلاً برای انقلابیون غذا درست کنند. این نقشی حاشیه‌ای است. آنها از همان اول در این انقلاب نقش داشتند. فراموش نکنید که اولین جرقه‌های این انقلاب را زنان زدند. آنها بودند که در بنغازی جلو فرمانداری تجمع کردند تا به کشتار همسران و فرزندان‌شان در زندان اولیوسم اعتراض کنند؛ جایی که ظرف دو یا سه ساعت ۱۲۲۰ نفر را اعدام کرده بودند. این فاجعه‌ای بود که همه جهانیان از آن اطلاع دارند.

۷۷ **به لحاظ بین‌المللی شما تقدیر شدید و آمریکا**

جایزه شجاع‌ترین زنان را به شما داد. ما تصویر شما را در کنار میشله اوباما و هیلاری کلینتون دیدیم. نگران این نیستید که آمریکا از شما تجلیل کرده است؟

چرا، بعضی می‌گویند من جاسوس هستم. می‌گویند

برای این قذافی نتوانست مرا دستگیر کند که با سازمان سیا کار می‌کردم. حال آنکه این جایزه از سال ۲۰۰۷ برقرار شده است و من هم از ۲۰۰ زنی که نامزد بودند انتخاب‌شدم.

۷۷ **این انتقادات در طول انقلاب هم بود و خیلی‌ها می‌گفتند دخالت خارجی لازم نیست. آیا الاان فکر می‌کنید این دخالت لازم بوده است؟**

تا کسی داخل لیبی نباشد نمی‌تواند احساس کند ما چه می‌کشیدیم. برای مثال همان روزی که ناتو دخالت کرد اگر نکرده بود در بنغازی یک کشتار جمعی صورت می‌گرفت. آن وقت ما باید چه می‌کردیم؟

۷۷ **بسیار خوب. الان رژیم سقوط کرده، آیا از وضعیت کنونی راضی هستید؟**

من البته به آینده خوشبین هستم. الان یکسری درگیری‌هایی وجود دارد که به دلیل پخش بودن سلاح در دست مردم و نیروهای انقلابی تقریباً طبیعی است. تنها چیزی که از سیاستمدارهای می‌خواهیم اینکه باهم متحد باشند و مشکلات را دور کنند.

منبع: الجزیره

۱- دموکراسی، در این دوران بیش از هر چیز دیگری ذهن متفکران معاصر عرب را به خود مشغول داشته است. در تاریخ تفکر عربی طی ۱۵قرن گذشته زمانی نبوده که مثل امروز بر سر دموکراسی بحث و جدل و مشاجره و مناظره شده باشد کما اینکه هرگز تا این حد درباره موضوعی این‌همه سمینار و کنفرانس گذاشته نشده است. به‌خصوص این روزها که دست‌کم رویای دموکراسی‌خواهی چند انقلاب را در منطقه از جمله کشورهای مصر، تونس، لیبی، یمن، سوریه و… به راه انداخته تا چنین رویایی تحقق یابد اما ناپسانمانی‌های موجود در پس این انقلاب‌ها رویکردهای تازه‌ای را نسبت به دموکراسی مطرح و مشکلات تازه‌ای را برپا می‌کند. مهم‌ترین مساله اینکه ما هنوز درمورد خود دموکراسی دچار اختلافات فراوانی هستیم. هنوز تعریفی که از دموکراسی می‌دهیم مبهم، ناروشن، انتزاعی، غیرواقعی و نظری نه عملی و سلبی نه ایجابی است. از این‌روست که تعریف‌ما از دموکراسی نامتیک و نامشخص، نگران‌کننده و سرگردان و نامستدل است.

۲- برخی متفکران معاصر عرب، دموکراسی را روندی عقلانی می‌دانند که تابع عقل و منطق و خرد جمعی و محاسبات دقیق آن بوده و به دور از احساسات و رویاها و آرزوهاست. دموکراسی نه یک عمل سحرآمیز که مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. آنها می‌گویند دموکراسی عقل و اقتاع است. دموکراسی مشارکت در حکومت با انگیزه یک خیر عمومی است. دموکراسی آگاهی نسبت به مسوولیت‌های حکومتداری و تمرین آگاهانه آن است. دموکراسی نیازمند بالاترین تلاش برای مشارکت در حیات عمومی و از جنب همه شهروندان است. این حرفی است که حسن‌صعب، متفکر لبنانی در کتاب

خود «اسلام و چالش‌های معاصر» می‌زند.

اکنون این پرسش مطرح است:

آیا یک حیات عقلانی اقناع‌کننده در جوامع عربی شکل گرفته است یا اینکه جامعه عربی هنوز جامعه‌ای است که آن را مجموعه‌ای از عواطف و تمایلات و خرافات مدیریت می‌کند و برای حل بسیاری از مشکلاتش هنوز به دعا و جادو و سحر متوسل می‌شود؟

آیا دموکراسی در یک جامعه عربی مشار کتی و تعاونی شکل می‌گیرد نه فردی و سلطه‌جویانه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن منافع فردی بدون درنظر گرفتن روح تعاونی بر همه‌جا حاکم است. برخی از روشنفکران معاصر عرب می‌گویند دموکراسی یک راه‌حل سحرآمیز نیست و باید پیش از آن فضای مناسبی فراهم شده‌باشد که عقلانیت را در جامعه تثبیت کرده و اجازه دهد تا همه مشکلات برای دست‌یافتن به بهترین راه‌حل‌ها در میان گذاشته شود. دموکراسی در واقع فرمولی است که بدون حذف «یگری» توازن قوای خاصی را ایجاد می‌کند و اجازه می‌دهد تا قدرت به صورتی عادی و منطقی و تدریجی انتقال پیدا کند. این مساله‌ای است که باید همه به روشنی آن را در ک کنند زیرا اگر چنین مساله‌ای به خوبی فهمیده یا پذیرفته نشود بهای کشورهای عرب تاوان سنگینی باید پرداخت کنند. حتی شاید انقلاب‌های عربی منجر به فجایی شود که نمونه‌هایش در کمتر جایی یافت می‌شود. دموکراسی موقعیتی برای تمرین سیاست‌ورزی آن‌هم در شرایطی است که اولویت‌های فلسفه لیبرالی آن را زمینه‌سازی کرده باشد، چنان‌که کمال عبداللطیف در کتابش «دموکراسی در بین اعراب» موانع نظری و مشکلات تاریخی» می‌گوید: دموکراسی را باید ابتدا به لحاظ فلسفی در دایره عقلانیت پرورد و بعد به لحاظ

جهان

نگاه

گذرسخت اعراب به دموکراسی

حقوقی برایش قانون نوشت و سپس به لحاظ اجتماعی و تاریخی برایش نهاده‌ا و موسسات لازم را پدید آورد. دموکراسی صرفا یک رویا نیست بلکه نتیجه رابطه تقابل نیروهای سیاسی در عمل است. از این‌رو باید برای آن گفتمان تازه‌ای را تعریف کرد؛ گفتمانی که از دولت چیزهای دیگری به غیر قدرت را هم می‌بیند، زیرا کسانی که تنها دولت را یک عامل سلطه‌گر می‌بینند و برای آن هیچ نقش تاریخی یا اجتماعی یا فرهنگی قابل نیستند طبیعی است که احساس کنند تغییر قدرت راحل مستقیم و تام همه مشکلات بوده و با آن می‌توان تمام بحران‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را یک‌شبه برطرف کرد.

۳- برخی دیگر از متفکران معاصر عرب دموکراسی را تجربه و مدیریت و هوشیاری و نظارت مستمر و مرتبط با منافع عمومی جامعه و تمرین عقلانیت در ساحت‌های خصوصی و عمومی جامعه می‌دانند و می‌گویند شرط آن رشد دادن ارزش‌های خرد و آزادی و تفکر و سلوک مستقل است. دموکراسی یک پروژه اجتماعی معقول با موضوع مشارکت سیاسی است به‌گونه‌ای که حکومت میثاجی مردم تصور شود.

گروهی دیگر مانند سعدالدین ابراهیم معتقدند روح دموکراسی در واقع التزام داشتن خالصانه به مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که در راس آنها برابری و انصاف و پذیرش نظر دیگران و آمادگی برای مشارکت و زمینه‌سازی برای پذیرش شکست بدون احساس شرمندگی یا توهین و تحقیر و از دست‌رفتن کرامت آدمی است. بهنظر او قانون اساسی و احزاب و پارلمان و انتخابات و … در این راه تنها ابزارهایی هستند برای دست یافتن به جسم دموکراسی اما نه روح آن.

تونس سر دوراهی افراط و اعتدال

سعید اقالیخانی



عکس AFP

به‌تدریج تقویت می‌شود که بخش اعظم ناآرامی‌های اجتماعی در این دو کشور ناشی از رشد روزافزون بیکاری و بالارفتن نرخ تورم است اما جای‌از این شاخص مهم هر دو دولت اسلامگرای مصر و تونس درست در زمانی زمام‌امور را در دست گرفته‌اند که ناگزیرند میان مطالبات مردم انقلابی در کشورهایی که از اقتصادی بیمسار و ناکارآمد نیز رنج می‌برند با ایده‌های میانه‌گزین و اسلامگرایانه خود تعادلی منطقی برقرار کنند و این در حالی‌است که نگرش گروه‌های سلفی و تندرو در هر دو کشور که وضعیت بد اقتصادی و جسارت و جاه‌طلبی بی‌سابقه‌ای نیز به آنها بخشیده باعث بروز مشکلاتی در مسیر دولت‌های اسلامگرا شده است.
چون کشورها به تدریج از آستانه آزمون تاریخی اسلامگرایان و در کشاکش رقابت نفسگیر با جریان‌های سکولار، جریان الهیضه در تونس همچون همنای اخوانی خود در مصر نه یاری مقابله جدی و مرزبندی با گروه‌های تندروی سلفی را دارد و نه تمایلی به تن دادن ایده‌های نه‌چندان دموکراتیکی که در تعارض با مطالبات آرایه‌خواهانه بعد انقلاب است، نتیجه این تعارض نیز به شکل طبیعی به نوعی انفعال و تردید توام با سکوتی انجامیده‌است که در برابر رویکردهای افراطی و بدون توقف گروه‌های سلفی زمینه لازم را برای ترکنازی گروه‌های سکولار علیه آرمان‌های اسلامگرایانه فراهم کرده است.
با در نظر داشتن این وضعیت این نکته را نیز نباید فراموش کرد که بر آرم‌دن اسلامگرایان و دست برداری آنان در ساحت احتمال داد که این جریان برای حفظ تروییکایی متنازول کنونی به پیشنهادهای عقلانی‌تری چون توافق برسر تعدیل چند مقام وزارتی و تعهد به حفظ مشارکت دیگر گروه‌های ائتلاف گام‌های موثری برای رفع بحران کنونی بردارد. این وضعیت البته تا حد زیادی به عدم دخالت عوامل خارجی و حفظ غلبه طیف‌های معتدل هر دو جناح اسلامگرا در الهیضه و سکولار‌های حاضر در تروییکا بستگی خواهد داشت.

اگرچه نشانه‌هایی که برخی مخالفان جریان اسلامگرای الهیضه با اشاره به آن مسوولیت اصلی ترقر آقای بلعید را متوجه این حزب می‌کنند نمی‌تواند نشانه‌ای متفن و بدون خدشه از دخالت حزبی باشد که هم‌اکنون دست بالا را در معادلات سیاسی این کشور دارد اما به نظر می‌رسد مشکل حزب الهیضه و راشد الغنوشی وضعیت مشابهی با همنای وی محمد مرسی در مصر دارد. دولت در هر دو کشور از دل انقلابی برخاسته است که به‌تبع همه انقلاب‌ها با گذشت دو سال هنوز نتوانسته‌اند روش نه‌نهایی‌ی‌شان در ثبات سیاسی و اقتصادی را به مردم نشان دهد به نحوی که این گمان

دیرینه خود را عملی کند.

اگرچه نشانه‌هایی که برخی مخالفان جریان اسلامگرای الهیضه با اشاره به آن مسوولیت اصلی ترقر آقای بلعید را متوجه این حزب می‌کنند نمی‌تواند نشانه‌ای متفن و بدون خدشه از دخالت حزبی باشد که هم‌اکنون دست بالا را در معادلات سیاسی این کشور دارد اما به نظر می‌رسد مشکل حزب الهیضه و راشد الغنوشی وضعیت مشابهی با همنای وی محمد مرسی در مصر دارد. دولت در هر دو کشور از دل انقلابی برخاسته است که به‌تبع همه انقلاب‌ها با گذشت دو سال هنوز نتوانسته‌اند روش نه‌نهایی‌ی‌شان در ثبات سیاسی و اقتصادی را به مردم نشان دهد به نحوی که این گمان

دریچه

سانسور رسانه‌ها در اسرائیل

● انقلاب از تباطات، اسرائیل را هم به‌خصوص در سطح اطلاعات و انتشارات به ویژه در مورد مسایل امنیتی در معرض چالش‌های فراوانی قرار داده است به گونه‌ای که دوباره بحث و جدل‌هایی را در آو تل‌آویو مطرح و دوران سانسور رسانه‌ها را به ذهن متبادر می‌کند.

با تشدید حملات «سایبری» وزارت دفاع اسرائیل ناچار شد رسماً از تالسیس و ادحدهای نظامی ویژه تحت‌عنوان «اتاق هدف» خبر دهد که مأموریت‌شان کشف حملات «هکرها»ی احتمالی از سوی عناصر دشمن و پاسخگویی به آنهاست. با این حال به نظر می‌رسد دستگاه‌های امنیتی اسرائیل همچنان ناتوان از مقابله با این حملات باشند.

با تشدید موضوع زندانی «ایکس» که رسانه‌های خارجی ابتدا آن را برپا کردند، در اسرائیل دوباره صداها بلند شد که باید در روابط بین نهادهای امنیتی و رسانه‌ها تجدیدنظر شود. زندانی ایکس یک یهودی استرالیایی‌تبار بود که به عنوان مژدرور مוסاد فعالیت می‌کرد و در نهایت در سساول اشفود‌اش دستست به خودکشی زد؛ فردی که گفته می‌شود در ترور محمود المبحوح دست داشت و از آخر سر برخی اطلاعات مربوط به این ترور را در اختیار پلیس دویی گذاشت. با انتشار اخبار مربوط به او در رسانه‌های استرالیایی سایر رسانه‌های جهان نیز آن را بازپخش کردند و همین مساله اسرائیل را به دردرس انداخت.

در اسرائیل اکنون این دو نظر مطرح است که یکی می‌گوید اسرائیل باید شفافیت را بپذیرد و اجازه دهد گردش آزاد اطلاعات جریان داشته‌باشد، دست از کنترل رسانه‌ها توسط نهادهای امنیتی بردارد و به این روش کنونی که از اهرم قوه قضاییه هم استفاده می‌کند خاتمه دهد. در مقابل، گروه دیگری می‌گویند باید نهادهای امنیتی بر شبکه‌های عتکبونی و ارتباطات اجتماعی سیطره داشته باشند تا در این جنگ الکترونیکی بتوانند در جهان مجازی با دشمنان مقابله کنند.

«شوکی طای» یک اسرائیلی نویسنده‌سایت «چشم هفتم» که به امور رسانه‌ها می‌پردازد درباره ارتباط بین نهادهای امنیتی و سیاسی با رسانه‌ها در عصر انقلاب ارتباطات می‌گوید درگذشته از کنترل نظامی استفاده می‌شد اما دیگر این کنترل کارساز نیست. در گذشته از طریق استفاده از قوه قضاییه نشر مطالب را ممنوع می‌کردند. امروزه در نظام‌های دموکراتیک این اعمال دیگر مرسوم نیست. اما در اسرائیل به‌شدت رسانه‌ها کنترل می‌شود تا آنجا که حتی روزنامه‌نگاران مجبور به خودسانسوری هستند و پیوسته به دلیل برخورد‌های امنیتی در فضای از نگرانی و ترس بمسر می‌رند.

وی می‌افزاید: خودسانسوری یک روزنامه‌نگار اسرائیلی بسیار شدیدتر از محدودیت‌هایی است که کنترل‌های دولتی اعمال می‌کند. نهادهای امنیتی با دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل می‌توانند به‌راحتی روزنامه‌نگاران را بازداشت کرده یا تحت کنترل خود نگه‌دارند.

اما «یوت شطیرن» که یک روزنامه‌نگار است دیدگاه‌های دیگری دارد. او می‌گوید مقامات اسرائیلی اصرار داشتند که درباره زندانی استرالیایی هیچ اطلاعاتی منتشر نشود. البته ممنوعیت رسانه‌ای در اسرائیل به‌منتهای چوین کشمیر دولیه است، چون همین سیاست موجب شد تا مساله‌ای از توجه جهانی پنهان بماند و از سوی دیگر صحنه سیاسی و رسانه‌ای اسرائیل را دچار تردید و آشفتگی کند.

شطیرن می‌گوید متوجه است که برخی مسایل سری هستند و برای آینده امنیت ملی اهمیت دارند به‌خصوص وقتی تهدیدهایی نیز از همه طرف دارند داشته باشد یا این حال معتقد است که به بهانه امنیت ملی نباید فعالیت رسانه‌ها را محدود کرد یا مانع انتشار اخبار و اطلاعات شد زیرا در این صورت آزادی بیان که یکی از ارکان اساسی دموکراسی است، نقض خواهد شد. به گفته او مقامات اسرائیلی می‌دانند که نمی‌توانند همه چیز را کنترل کنند یا به کلی شبکه‌های مجازی را اینترنت‌زد تا تحت نظارت خود بگیرند. اگر چنین تلاش‌هایی هم صورت گیرد، شکست خواهد خورد؛ بنابراین باید با رسانه‌ها با هوشمندی برخورد و ارتباط خود را با آنها حفظ کرد. نحوه برخورد با دنیای مجازی نیز ظرافت‌های خاص خود را دارد. اما بعضی حکومت‌ها تصور می‌کنند فضای مجازی را قلمرو اطلاعات مهمی است و باید هر طور شده را آن مسلط شد و هرچه را در آنجا می‌گذرد تحت کنترل قرار داد.

جنگ سایبر

«هل جمال» مدیر مرکز رسانه‌ها در داخل فلسطین طرح کنترل اینترنت را رسانه‌های مجازی را در مجموع اقدامی «یهوده» می‌داند و می‌گوید حتی برای اسرائیل با آن همه ابزارهای اینترنتی و برنامه‌ریزی‌های پیشرفته یا سرمایه‌های زیادی که در این زمینه صرف کرده است، دشوار خواهد بود و در مجموع نمی‌توان فضای مجازی را به طور کامل کنترل کرد.

جمال مساند نگرانی و ترس اسرائیل را از انقلاب اطلاعات با رشد حملات حمله‌های شبکه‌های عتکبونی را کم اهمیت می‌داند و می‌گوید اسرائیل به هر حال یکی از پیشرفته‌ترین امکانات را در فضای سایبر دارد و در بسیاری از مواقع این سرمایه‌گذاری‌ها کارآمد بوده است. وی همچنین بعید می‌داند که بتوان از سروش گذشتن بر اطلاعات با دستکاری آنها و حذف‌شان به‌منه‌ای یک نیروی بازدارنده محبت کرد زیرا به گفته او نیروی بازدارنده جایی است که حرف از سلاح یا کشف آن باشد بنابراین در فضای سایبر نمی‌توان یک نیروی بازدارنده داشت مگر در مواقعی استثنایی و محدود که به وقوع حملاتی اعتراف شود؛ مساله‌ای که اسرائیل به‌رغم درگیر بودن روزمره در یک جبهه فرضی تاکنون درباره آن لب به سخن نگشوده است.

منبع: الجزیره